

تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان

و

کوشش به سوی اتحاد کلیساها

سطح عالی

تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان

و

کوشش به سوی اتحاد کلیساها

مأخذ اصلی پیشگفتار:

"Proche Orient Chretien No 43/1-2"

و

"Courrier Oecumenique du Moyen Orient No 24&25"

می باشد: ۴ مورد بعدی از:

"Eastern Churches Journal Vol.1 No.1" ترجمه شده است.

فهرست :

- ۱- پیشگفتار ۱
(اوضاع تاریخی، اصول الهیاتی، برخورد کلیساها)
- ۲- متن بیانیه بلمند ۱۴
- ۳- شرکت کنندگان بلمند ۲۹
- ۴- نامه کاردینال لوباجیفسکی به کاردینال کاسیدی ۳۳
- ۵- نکاتی درباره بیانیه بلمند ۴۴

در اینجا لازم است مراحل مهم این گفتگو را یادآوری نمایم. در ۲۵ ژانویه ۱۹۵۹ پاپ ژان بیست و سوم دستور گردهمایی شورای اسقفان واتیکان دوم را صادر نمود و از طرف دیگر، پاتریارک آتناگوراس اول پس از ده سال تدارک موفق گردید اولین کنفرانس ارتدکس را در رودس (Rhodes) از ۲۴ سپتامبر تا ۲ اکتبر ۱۹۶۱ تشکیل دهد. کنفرانسهای دیگری نیز به دنبال آن تشکیل شدند و بدین طریق تدارک برای برگزاری شورای بزرگ همه کلیساهای ارتدکس مهیا شد. به نظر می رسد این مرحله جدید در روابط دو کلیسا، با گذشت زمان، همانند مرحله اول برای کشف دوباره سنت مشترکشان الزامی است.

همچنین ناظرین ارتدکس به نمایندگی از اکثر کلیساییشان در شورای اسقفان واتیکان دوم شرکت جستند. طی چهار نشست سه ماهه، از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵، همه جوانب احیای کلیسای کاتولیک مورد بحث قرار گرفتند به نحوی که هر کس می توانست نظر طرف مقابلش را بداند. اسنادی همچون نظامنامه در باب کلیسا یا اعلامیه مربوط به اتحاد کلیساها بسیار مدیون این تحقیق مشترک می باشند.

سپس در عید ظهور مسیح به سال ۱۹۶۴ حادثه ای رخ داد که تا حدودی فراموش شده یا ناشناخته باقی مانده است: اسقف رم و اسقف قسطنطنیه که برای زیارت به سواحل رودخانه اردن رفته بودند، در حالی که «چشمانشان بر مسیح خیره شده بود»، «با این اشتیاق که خواست خداوند را تحقق بخشند و آن حقیقت قدیمی انجیلش را که به کلیسا

۲

پیشگفتار

در ارتباط با هفته دعا جهت اتحاد مسیحیان که برای سال ۱۹۹۷ موضوع «آشتی» انتخاب گردیده، کانون یوحنا رسول مفتخر است که طرح توافقنامه ای را که بین کلیساهای کاتولیک روم و کلیساهای ارتدکس بیزانس منعقد شده برای شما به زبان فارسی ارائه و منتشر می سازد. متن این سند توسط کمیسیون مشترک، متشکل از متخصصین برگزیده کلیساهای مربوطه که در دیر حضرت مریم بلمند (Balamand) واقع در شمال لبنان گرد آمده بودند، تهیه و تنظیم شده است. این متن در ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۳ برای عموم منتشر گردید.

در این پیشگفتار، ابتدا اوضاع تاریخی را که منتهی به تصویب این سند گردیدند، بررسی می کنیم. سپس بر نکات مهم آن تأیید خواهیم کرد و بعد از آن نحوه پذیرش این متن از سوی کلیساها را بیان می کنیم. آنگاه خود متن و اسامی افرادی را که در تصویب آن شرکت داشته اند، ارائه خواهیم نمود، همچنین واکنش یکی از مقامات مربوطه و توضیحات یک الهیدان را خواهیم آورد.

اوضاع تاریخی

خواننده گرامی می داند که ارتباط نزدیکی که به فیض خدا میان کلیساهای کاتولیک و ارتدکس در شرف وقوع است به چندین دهه پیش برمی گردد.

۱

اما این پیشنهاد به خاطر روشی که این کمیسیون اختیار کرده بود، رد شد. این روش «مواردی را که باعث اتحاد» میان دو کلیسا می شد در برمی گرفت و این امر «نه به خاطر دوری جستن از مسائلی که باعث جدایی می شوند» بلکه به خاطر ارزش نهادن به روحیه ای مثبت و امکان تصور نمودن نکات متفاوت در نوری نوین اتخاذ گردید. تجربه نشان داد که این روش عاقلانه تر و واقعی تر بوده: در سایه این روش بود که سیزده سال بعد مسئله وحدت گرایی به طور صادقانه و موثر مطرح و بررسی شد. از سال ۱۹۸۰، کمیسیون هر دو سال جلسات عمومی داشته و سه کمیته نیز در این میان موضوعات پیشنهاد شده را بررسی می نمود. بدین طریق بود که این کمیسیون به سال ۱۹۸۲ در مونیخ آلمان اولین سند درباره «راز کلیسا و قربانی مقدس در نور راز سه گانه اقدس» را منتشر نمود. گردهمایی کريت (crete) در سال ۱۹۸۴ هیچگونه نتیجه ای در بر نداشت. گردهمایی باری (Bari) در سالهای ۱۹۸۶-۱۹۸۷ به اتفاق آرا سندی مهم درباره «ایمان، رازها و واحد بودن کلیسا» را تصویب نمود. در سال ۱۹۸۸ در والامو (Valamo)، فنلاند، کمیسیون تدریجاً به شناختی متقابل از یک عنصر اساسی دیگر از راز کلیسا دست یافت که هر دو جماعت کاتولیک و ارتدکس آن را تجربه نموده اند پس کمیسیون توافقنامه ای را با این عنوان منتشر می سازد «راز ترتیب و نظم در ساختار رازگونه کلیسا، به ویژه اهمیت جانشینی رسولی برای تقدس و واحد بودن قوم خدا». به لطف پیشرفت هایی که طی این هشت سال گفتگو و مطالعه مشترک

سپرده اعلام کنند»^۱ با هم ملاقات نمودند. «تنوع در تعلیمات، آیین و قوانین کلیسایی بایستی در زمان و مکان خود و با روحیه وفاداری به حقیقت و درک یکدیگر در محبت بررسی شوند».^۲

بالاخره از همین جا بود که در هفتم دسامبر ۱۹۶۵ در پایان شورای اسقفان واتیکان دوم، به عنوان نشانه ای از تطهیر خاطرات کلیسایی توسط محبت، مسئله طرد و تکفیر که بین دو کلیسای کاتولیک و ارتدکس وجود داشت، از میان برداشته شد.

ده سال بعد، کمیسیون مشترک مقدماتی جهت گفتگوی الهیاتی آغاز به کار نمود. بدینسان کلیساهای ما توانستند «کمیسیون مشترک بین المللی جهت گفتگوی الهیاتی بین کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس» را تاسیس نمایند، همان کمیسیونی که توانست در سال ۱۹۹۳ سند بلمند را ارائه دهد. این کمیسیون برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ در شهر رودس برای حصول توافق در مورد هدف، روش و موضوع گفتگو تشکیل جلسه داد. از همان آغاز مسئله وحدت گرایی^۳ که برای کلیساهای ارتدکس بسیار رنج آور بود، مقدم بر سایر مسائل پیشنهاد شد،

۱- اعلامیه مشترک حضرت پاپ و پاتریارک، اورشلیم ششم ژانویه ۱۹۶۴

۲- نطق پاپ پل ششم خطاب به پاتریارک آتناگوراس اول که بر کوه زیتون واقع در اورشلیم ایراد شد.

۳- وحدت گرایی (uniatism) = پیوند و اتحاد کلیساهای شرق با کلیسای روم که در آن دیدگاه، زبان، آداب و رسوم و آیین پرستشی کلیساهای متحد به صورت مستقل و محترم باقی می ماند.

و ارتدکس از این پس می‌توانند سنت مشترکشان را دوباره کشف نمایند، لازم است ابتدا متقاعد شد راهی را که به آن منتهی می‌شود پیمود. موانع موجود بر سر گفتگو همانند موانع موجود در روابط روزانه میان اعضای کلیساهایمان تنها به افکاری که بیان شدند محدود نمی‌شود بلکه از ناخودآگاهی فردی و جمعی نیز ناشی می‌شوند: ضمیری که در آن، تاریخ، تصاویر، زخمها و پیش‌داوریها را انبار نموده که هر کس رابطه کنونیش با دیگری را از خلال آنها تفسیر می‌کند. زمانی که توافق می‌کنیم که با هم از این موضوع آگاه شویم، روح حقیقت خاطرۀ قلبها را پاک ساخته و می‌تواند «آنچه را مسیح به کلیسایش سپرده است» (بلمند شماره ۳) «به یاد آورد» (یوحنا ۱۴: ۲۶). همین جاست که کشف دوباره یکدیگر بدید می‌آید.

اصول الهیاتی سند بلمند

در ادامه سند بلمند، تجزیه و تحلیل دقیق و رسمی این سند به خوانندگان گرامی ارائه خواهد شد. پس در این پیشگفتار به این اکتفا می‌کنیم که تنها جوانب اصلی آن را یادآوری نماییم تا مطالعه خود متن آسانتر گردد.

ابتدا اصطلاح «کلیساهای خواهر یا هم‌پیوند» را توضیح می‌دهیم. این اصطلاح که امروزه به نظر تازه می‌آید، در حقیقت به قرون اولیه کلیسا برمی‌گردد و از زمان حضرت پاپ پل ششم و عالیجناب پاتریارک

در مورد سنتی که ما را متحد می‌سازد، صورت گرفته هر یک از طرفین توانستند از خلال اختلافات قانونی که در رابطه با نحوه بیان و تجربه‌های متفاوت داشتند دریابند که هر دو کلیسا به یگانه سنت رسولی در ایمان و رازهای ایمان، وفادار مانده است. بدین ترتیب ممکن شد که مسائل ظریف و حساس تری در رابطه با اقتدار کلیسا مطرح شوند. این موضوع برای گردهمایی بهار سال ۱۹۹۰ در فرایزینگ (Freising) نزدیک مونیخ انتخاب شد، اما حوادث فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به مسائل سرعت بیشتری بخشید و مسئله وحدت‌گرایی التهاب‌زیدی یافت چرا که بازگشت آزادی به اروپای شرقی، این امکان را پدید آورد که کلیساهای کاتولیک اروپای شرقی باز قانوناً اعلام وجود کنند و درخواست نمایند اموالی را که رژیم‌های کمونیستی متصرف شده بودند به آنان باز پس دهند. با امکان بازیافتن آزادی مذهبی کلیساهای کاتولیک شرقی اروپای شرقی، مسئله وجود و فعالیت آنها در «گفتگو درباره ایمان» بین کلیسای کاتولیک و ارتدکس از اهمیت خاصی برخوردار شد. این مسئله در ششمین گردهمایی عمومی کمیسیون فرایزینگ در سال ۱۹۹۰ مطرح گردید. از همان زمان مطالعه سندی که در بلمند و در سال ۱۹۹۳ منتشر شد، آغاز گردید.

این نگاه گذرای تاریخی به ما اجازه می‌دهد درک نماییم تا چه حد تطهیر خاطرۀ کلیساهایمان عنصری ارزشمند و اساسی برای راهی است که به سوی اتحاد می‌رود. بالاخره برای درک اینکه چرا کلیساهای کاتولیک

تلاش برای جلب یک فرد مسیحی از کلیسای دیگر و جامعه خودش بدین معنی است که این فرد در کلیسای خودش از وسایل لازم برای نجات برخوردار نبوده است. پس کلیسای کاتولیک و همچنین کلیسای ارتدکس معتبر بودن سنتها و رازهای مقدس یکدیگر را قبول دارند. هر کلیسا وسایل نجاتی را که عیسی مسیح به آن سپرده در اختیار ایمانداران خویش می‌گذارد. «... در کوشش برای برپایی اتحاد، هیچ سئوالی در مورد رو آوردن اعضای یک کلیسا به کلیسای دیگر برای اطمینان به نجات خود وجود ندارد» (شماره ۱۵ همچنین رجوع کنید به شماره ۲۲). در اینجا می‌توان به اعلامیه مشترک حضرت پاپ ژان پل دوم و عالیجناب پاتریارک دیمیتریوس اول اشاره کرده که در شماره ۱۸ ذکر شده است. «ما هر گونه تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان و هرگونه دیدگاهی را که عاری از احترام باشد رد می‌کنیم». البته این کار در راستای احترام به عقاید و آزادیهای فردی است (شماره ۱۵).

البته واضح است که تعمید مجدد برای شخص مسیحی که در کلیسای دیگری تعمید یافته، اصلاً مطرح نیست (شماره ۱۳): چرا که این حرکت تایید این امر می‌باشد که معتبر بودن رازهای کلیسای دیگر را قبول نمی‌کنیم و بنابراین کسانی را تعمید مجدد می‌دهیم که مسیحی نبوده‌اند! در این صورت چه کوششی می‌تواند برای اتحاد با مسیحیان یا با کلیسایی که آنها را معتبر نمی‌دانیم وجود داشته باشد؟ خدا را شکر که چنین لغزشی، اینک به طور مشترک رد شده است.

آتناگوراس اول، کلیساها آن را غالباً به کار می‌برند. شورای اسقفان واتیکان دوم این اصطلاح را در اعلامیه اتحاد بین‌کلیسایی در مورد کلیساهای شرق (شماره ۷ و ۳) به کار برده است. اما این اصطلاح را برای هر جماعت مسیحی نمی‌توان به کار برد. سند بلمند مشخصات حقیقی این اصطلاح را برای ما ذکر می‌کند.

«درواقع مخصوصاً از زمان کنفرانسهای پان ارتدکس و مجمع واتیکان دوم، کشف دوباره و ارزش‌گذاری مجدد کلیسا به عنوان پیوند، هم از طرف ارتدکسها و هم از طرف کاتولیکها، چشم‌اندازها و در نتیجه دیدگاهها را به نحوی بنیادین دگرگون ساخته است، هر دو طرف درک نموده‌اند که آنچه را مسیح به کلیسایش سپرده - تداوم ایمان رسولی، مشارکت در رازهای یکسان، بالاتر از همه کهانتهی واحد که قربانی یگانه مسیح را برگزار می‌کند، جانشینی رسولی اسقفان - نمی‌توان مالکیت انحصاری یکی از کلیساهای ما دانست» (شماره ۱۳). «در این چشم‌انداز است که کلیساهای کاتولیک و کلیساهای ارتدکس یکدیگر را به عنوان کلیساهای هم‌پیوند می‌شناسند» (شماره ۱۴).

بر کلمه **یکدیگر** تاکید نمودیم زیرا تازگی سند بلمند در همین نکته نهفته است. این قبول یکدیگر، مستلزم تغییر رفتارهای سابق است که آن را در سه کلمه خلاصه نماییم: احترام و همکاری در محبت برادرانه. دیگر موضوع تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان^۱ مطرح نیست. چون

می سازد. خود این امر نشانگر اهمیت این نامه است. چند روز پیش از آن یعنی در ژوئیه ۱۹۹۳، مجمع مقدس پاتریارک بخارست در بلغارستان اولین عکس العمل از سوی ارتدکسها در تایید این سند را ابراز داشت. از میان اشاراتی که به سند بلمند شده، سخنان حضرت پاپ ژان پل دوم را ذکر می کنیم که در ۲۵ ماه مه ۱۹۹۵ در بیانیه رسمی درباره اتحاد با عنوان «تا یکی باشند» عنوان گردید. در این بیانیه پیشرفت گفتگو میان کلیساهای کاتولیک و ارتدکس را که به لطف کارهای کمیسیون مشترک گفتگو انجام شده، بیان می شود. حضرت پاپ اشاره ای واضح و پر ستایش به سند بلمند می کند:

«اخیراً، کمیسیون مشترک بین المللی در رابطه با مسئله ای بسیار ظریف، روشی که می بایست برای یافتن پیوند کامل بین کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس دنبال نمود، قدم مهمی برداشته است، این مسئله همواره سنگ لغزشی در روابط میان کاتولیکها و ارتدکسها بوده است. این کمیسیون با ارائه راه حلی مثبت پایه های تعلیماتی مشکل را رد نموده آن را بر تعلیم کلیساهای هم پیوند استوار نمود. در همین چهارچوب کاملاً روشن است روشی را که برای نیل به پیوند کامل باید طی نمود گفتگوی حقیقت است که از گفتگوی محبت تغذیه نموده و توسط آن حمایت شود. حقی که برای کلیساهای کاتولیک شرق قائل شده اند مبتنی بر سازماندهی و انجام وظیفه رسالتی شان، همینطور شرکت موثر این کلیساهای در گفتگوی محبت و گفتگوی الهیاتی نه تنها

در مورد همکاری به ویژه بر این مورد تاکید شده که در پی اتحادی کامل و دیدنی باشیم (رجوع کنید شماره های ۱۴ و ۲۱).
محبت (شماره ۱۹ و ۲۰) بایستی بین این دو کلیسای ما حکومت کند و مسئولیت آن به ویژه متوجه شبانان کلیساهاست: پس می توان انتقادهای متقابل زیادی کرد اما باید از داوریهایی منفی و تحقیر کننده دوری جست: بین دو کلیسای هم پیوند چیزی جز بخشش گذشته دردناک، درک و طلب سعادت و حمایت متقابل نمی تواند وجود داشته باشد و این کارها برای شهادتی مشترک است «تا دنیا ایمان آورد...»

برخورد کلیساهای با این سند چگونه بود؟

متن این سند همانند هر سند دیگر که توسط کمیسیون کلیساتالیف می شود در پایان کاری طولانی، به تصویب نمایندگان دو کلیسای مربوطه رسید ولی برای شناختن اقتدار و اعتبار یک متن، باید دید که رهبران کلیساهای مربوطه و همین طور ایمانداران، چگونه با آن برخورد می کنند. در رابطه با سند بلمند، که در ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۳ منتشر شده، نامه کاردینال لوباجیفسکی به رئیس مجمع اعلامی واتیکان برای پیشبرد اتحاد مسیحیان را خواهید خواند، این نامه بیانگر موافقت مسئول کلیسای کاتولیک اکر این می باشد، کلیسایی که مستقیماً با مسئله «وحدت گرایی» در ارتباط است، کاردینال لوباجیفسکی صریحاً مسئله وجود کلیسای خود را پس از انحلال کمونیسم در اروپای شرقی مطرح

حل مشکلات موجود هموارتر نمود بلکه ارتدکسها و کاتولیکها از هم اکنون قادرند شهادت ایمانی مشترکی بدهند» (بند ۲).

همچنین به پذیرش این سند از سوی کمیته مشترک کاتولیک- ارتدکس فرانسه اشاره می‌کنیم که در ۱۹ نوامبر ۱۹۹۳ سند مزبور را تایید نمود. کمیته ایالات متحده آمریکا نیز در ژانویه ۱۹۹۵ نظر مساعد خود را درباره سند بلمند اعلام نمود که در اینجا نتیجه‌گیری را که این کمیته از سند مزبور در بیانیه خود آورده، ذکر می‌کنیم: «... ضمن اشاره به کمیته‌هایی که در سند بلمند وجود دارد، با این حال این سند سهمی موثر و مثبت در گفتگوی الهیاتی بین کلیساهای ما خواهد داشت.» (شماره ۱۷).

اما عکس‌العمل کلیساهای پاتریارکی انطاکیه چه بود؟ طبق سخنان یکی از افراد وارد به این مسائل که خودش نیز در کمیسیون مشترک بین‌الکلیسایی بلمند شرکت جسته، توافق عمده‌ای از سوی آنان بر موضوع سند بلمند وجود دارد. شورای اسقفان کاتولیک لبنان بی‌هیچ استثنایی آن را تایید نمود. علاوه بر این می‌توان مشاهده نمود تعلیم الهیاتی که به طور ضمنی در سند بلمند در موضوع کلیسا به عنوان پیوند ابراز شده در نامه شبانی پاتریارک کاتولیکوس انطاکیه به مناسبت عید میلاد مسیح ۱۹۹۶ تحت عنوان «راز کلیسا» کاملاً تشریح شده است.

بالاخره می‌توان امیدوار بود که این متن به عنوان طرحی برای گفتگو بین کلیسای کاتولیک و کلیساهای سریانی انطاکیه همچون کلیسای شرق آشور به کار گرفته شود. بایستی گفت که گام مهمی در تحقق اتحاد

احترام واقعی برادرانه میان ارتدکسها و کاتولیکهای یک سرزمین، بلکه همینطور کار مشترکشان برای جستجوی اتحاد یاری خواهد داد. پیشرفتی به تحقق رسید و این کار بایستی ادامه داشته باشد. با این حال از هم اکنون می‌توان مشاهده نمود که دلها آرام گرفته‌اند و این همان چیزی است که جستجو را باروتر خواهد نمود» (شماره ۶۰).

همچنین در ۲۹ ژوئن ۱۹۹۵ حضر پاپ ژان دوم و عالیجناب پاتریارک بارتولومئوس اول اعلامیه مشترکی را به امضاء رساند که در اینجا بند دوم آن را ذکر می‌کنیم:

«این گفتگو - در کمیسیون مشترک بین‌المللی - پرثمر بوده و

توانسته به پیشرفتهای خیلی عینی و پر محتوی برسد.

همچنین برداشتی مشترک و رازگونه از کلیسا را ارائه نمود که این برداشت توسط جانشینی رسولی تحکیم شده و در زمان منتقل شده است. در کلیساهای ما، جانشینی رسولی، برای تقدس و اتحاد قوم خدا اساسی است. با توجه به اینکه راز محبت الهی در هر کلیسای محلی تحقق می‌یابد و اینکه کلیسای مسیح حضور فعال وی را در هر یک از کلیساهای نمایان می‌سازد، کمیسیون مشترک توانست اعلام کند که کلیساهای ما همدیگر را به عنوان کلیساهای خواهر می‌شناسد و با هم مسئول حفظ و نگهداری کلیسای واحد خدا، در وفاداری به نقشه الهی و به ویژه در رابطه با اتحاد آن، می‌باشد. از اعماق دلمان، خداوند کلیسا را به خاطر این تأییداتی که با هم انجام دادیم شکر می‌گوییم که نه تنها راه را برای

بیانیه بلمند

کمیسیون مشترک بین المللی جهت گفتگوی الهیاتی بین کلیسای کاتولیک روم و کلیسای ارتدکس

هفتمین نشست جامع، مدرسه الهیات بلمند (لبنان)، ۱۷-۲۴ ژوئن ۱۹۹۳

«وحدت‌گرایی، شیوه اتحاد در گذشته و جستجوی کنونی برای پیوند کامل»

مقدمه

۱) بنا به درخواست کلیساهای ارتدکس، روند معمولی گفتگوی الهیاتی با کلیسای کاتولیک جای خاصی داشته است تا به مسئله موسوم به «وحدت‌گرایی» توجه فوری شود.

۲) با توجه به شیوه‌ای که «وحدت‌گرایی» نامیده می‌شود، در فرایزینگ (ژوئن ۱۹۹۰) عنوان شد که «ما آن را به عنوان شیوه‌ای برای جستجوی اتحاد رد می‌کنیم زیرا با سنت مشترک کلیساهای ما تضاد دارد».

۳) در مورد کلیساهای کاتولیک شرق به خوبی پیداست که این کلیساهای به عنوان بخشی از مشارکت کاتولیک، حق حیات و فعالیت در جوابگویی به احتیاجات روحانی ایمانداران خود را دارند.

۱۴

بین کلیساهای شرق به لطف کاری که در بلمند انجام شده، برداشته شده است. البته متأسفانه همه چیز هنوز حل نشده است، به ویژه کلیساهای پروتستان دلایل فوق در مورد کنار گذاشتن تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان را قبول ندارند در حالی که برای کلیساهای شرق که ساختار رازهای مقدس یکدیگر را قبول دارند این یک مسئله ایمانی است. هنوز کار زیادی مانده تا بتوان افکار مردود کلیسا شناسی گذشته که «وحدت‌گرایی» را قانونی ساخته بود و نیز تلاش برای جلب ایمانداران کلیساهای دیگر را به سوی خود، از بیخ برکنند، اما بالاخره درمان آن مشخص گردید که همانا تعمیق نگرش ما به راز کلیسا است.

با خواندن سند بلمند، از ما دعوت می‌شود با هم کلیسا را به عنوان راز پیوند دوباره کشف نماییم، پیوندی که سرچشمه و الگوش در سه گانه اقدس یافت می‌شود، پیوندی که در تن مسیح نمایان شده و خود را میبخشد

* * *

یادآوری: قسمت‌های زیادی از مطالب این پیشگفتار از تحقیق دوست گرامی ما کشیش ژان کوربون Jean Corbon که الهیدان کلیسای کاتولیک یونانی بیروت و نیز عضو کمیسیون مشترک بین المللی گفتگو می‌باشد اخذ شده‌اند. این تحقیق در مجله "Proche Orient Chretien" شماره ۱/۴۳-۲ چاپ شده است. همینطور در این پیشگفتار از اطلاعاتی که در مجله "Courrier Oecumenique du moyen orient" شماره‌های ۲۵-۲۷ چاپ شده، استفاده گردیده است □

۱۳

گاهگاهی این تلاشها با مخالفت‌هایی روبرو شده است. (۸) در چهار قرن گذشته در مناطق مختلف شرق ابتکاراتی در درون برخی کلیساها و تحت تاثیر عناصر بیرونی برای برپایی مجدد پیوند بین کلیسای غرب و کلیسای شرق صورت گرفته است، این ابتکارات به اتحاد برخی جوامع با کرسی روم و در نتیجه گستسگی پیوندشان با کلیساهای مادر شرق منجر شده است. این اقدامات قطعاً بدون دخالت منافع و علایق غیرکلیسایی صورت نگرفته است. در این اوضاع و احوال کلیساهای کاتولیک شرق به وجود آمدند و شرایطی ایجاد شد که سرچشمه منازعات و رنجها اول برای ارتدکسها و همچنین برای کاتولیکها گردید.

(۹) نیت و مشروعیت اشتیاق به وفاداری به فرمان مسیح «تا همه یکی باشند» که در اتحادهای جزئی با کرسی روم بیان می شود هر چه باشد بایستی تشخیص داد که برپایی مجدد اتحاد بین کلیسای شرق و کلیسای غرب کاملاً میسر نشده و جدایی هنوز پابرجاست و با این تلاشها مسموم می شود.

(۱۰) این وضعیت در واقع باعث ایجاد تنشها و مخالفتها شده است.

به تدریج در دهه های بعد از این نوع اتحادها، فعالیت بشارتی تمایل پیدا کرد که جذب کردن دیگر مسیحیان را چه به صورت انفرادی و چه به صورت گروهی وارد اولویتهای بشارتی خود نماید تا آنان را به کلیسای خاص خود «برگرداند». کلیسای کاتولیک برای توجیه این

(۴) سندی که توسط کمیته مشترک همکاری در آریکسیا (Ariccìa) آماده گردید (ژوئن ۱۹۹۱) و در بلمند به پایان رسید (ژوئن ۱۹۹۳) بیانگر شیوه ما در جستجوی کنونی برای پیوند کامل است و از این رو دلایلی برای کنار گذاشتن «وحدت گرایی» به عنوان یک شیوه ارائه می دهد.

(۵) سند حاضر شامل دو قسمت است:

الف) اصول کلیسا شناسی

ب) قوانین عملی

اصول کلیسا شناسی

(۶) جدایی مابین کلیساهای شرق و کلیساهای غرب هرگز اشتیاق ما را برای اتحادی که مسیح آرزو کرده بود خاموش نکرده است. به علاوه این وضعیت که مغایر با ماهیت کلیساست غالباً برای بسیاری، فرصت آگاهی عمیق تر یافتن نسبت به نیاز دستیابی به اتحاد بوده است تا بتوان به فرمان خداوند وفادار بود.

(۷) در طول قرون، تلاشهای گوناگونی برای برپایی مجدد اتحاد صورت گرفته است. برای دستیابی به این هدف، در هر دوره راههای مختلف و گاهی شورایی طبق وضعیت سیاسی، تاریخی، الهیاتی و روحانی هر دوره جستجو شده است. متأسفانه هیچ کدام از این تلاشها منجر به برپایی پیوند کامل میان کلیسای غرب و کلیسای شرق نشده و

واتیکان دوم، کشف دوباره و ارزش‌گزارای مجدد کلیسا به عنوان پیوند، هم از طرف ارتدکسها و هم از طرف کاتولیکها، چشم‌اندازها و در نتیجه دیدگاهها را به نحوی بنیادین دگرگون ساخته است، هر دو طرف درک نموده‌اند که آنچه را مسیح به کلیسایش سپرده - تداوم ایمان رسولی، مشارکت در رازهای یکسان، بالاتر از همه کهناتی واحد که قربانی یگانه مسیح را برگزار می‌کند، جان‌شینی رسولی اسقفان - نمی‌توان مالکیت انحصاری یکی از کلیساهای ما دانست. در همین رابطه بدیهی است که از تعمید مجدد بایستی جلوگیری نمود.

۱۴) در این چشم‌انداز است که کلیساهای کاتولیک و کلیساهای ارتدکس یکدیگر را به عنوان کلیساهای خواهر می‌شناسند که هر دو با هم برای نگهداری کلیسای خدا در وفاداری به هدف الهی و صد البته در مورد اتحاد مسئول هستند. طبق سخنان پاپ ژان پل دوم، تلاش جهانی کلیساهای هم‌پیوند شرق و غرب، باید بر اساس گفتگو و نیایش و جستجوی پیوند کلی و کاملی باشد که نه جذب دیگران است و نه ترکیب و امتزاج بلکه ملاقاتی در راستی و محبت می‌باشد (ر. ک Slavorum Apostoli ، شماره ۲۷).

۱۵) در حالی که آزادی غضب‌نکردنی افراد و وظیفه آنان برای تامین احتیاجات وجدان خود محفوظ می‌ماند، در کوشش برای برپایی اتحاد، هیچ سئوالی در مورد رو آوردن اعضای یک کلیسا به کلیسای دیگر برای اطمینان به نجات خود وجود ندارد. مسئله اصلی رسیدن به

تمایل که سرچشمه تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان است، دیدگاهی الهیاتی را توسعه داد که بر اساس آن خود را به عنوان یگانه کلیسای نجات یافته معرفی می‌کرد. کلیسای ارتدکس نیز در واکنش به این مسائل به پذیرش این دیدگاه رسید که طبق آن فقط در کلیسای ارتدکس می‌توان نجات یافت. برای مطمئن شدن به نجات «برادران جدا شده» گاهی اتفاق می‌افتاد که مسیحیان دوباره تعمید می‌یافتند و برخی ضروریات آزادی مذهبی اشخاص و اعمال ایمانی آنان به فراموشی سپرده می‌شد. در آن دوران این دیدگاه حساسیت اندکی برمی‌انگیخت.

۱۱) از طرف دیگر برخی از پروان‌رایان دولتی تلاشهایی نمودند تا کاتولیکهای شرق را به کلیسای مادر برگردانند. آنها برای دستیابی به این هدف درنگ نکردند و هنگامی که فرصت مناسب می‌یافتند از وسایل و شیوه‌های غیر قابل قبول نیز استفاده می‌کردند.

۱۲) به خاطر طریقی که در آن، کاتولیکها و ارتدکسها یک بار دیگر همدیگر را در ارتباط با راز کلیسا می‌نگرند و یکدیگر را چون کلیساهای هم‌پیوند (خواهر) باز می‌یابند، این شکل از «رسالت بشارتی» که در بالا توصیف شد و «وحدت‌گرایی» نامیده می‌شود دیگر نمی‌تواند به عنوان شیوه کار در آینده و نه به عنوان الگوی اتحادی که کلیساهایمان به دنبالش هستند پذیرفته شود.

۱۳) در واقع مخصوصاً از زمان کنفرانسهای پان‌ارتدکس و مجمع

۱۸) پاپ پل ششم برای رسیدن به این هدف، در خطاب خود به فانار (Phanar) در ژوئیه سال ۱۹۶۷ تأیید نمود که «بر رهبران کلیسا و سلسله مراتب روحانی آنهاست که کلیساها را به راهی بکشانند که به یافتن پیوند کامل مجدد می‌رسد. آنان بایستی این کار را با شناختن و محترم شمردن یکدیگر همچون شبانان آن قسمت از گله مسیح که به آن سپرده شده و با مواظبت از پیوند و رشد ایمان قوم خدا و جلوگیری از هر آنچه می‌تواند آن را جدا نماید یا حالت امتزاج در مراتب آن بوجود آورد انجام دهند (Tomos agapis شماره ۱۷۲). با چنین روحیه‌ای پاپ ژان پل دوم و پاتریارک کلیسای ارتدکس دیمیتریوس اول با هم به روشنی اعلام کردند که «ما هر گونه تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان و هرگونه دیدگاهی را که عاری از احترام باشد رد می‌کنیم» (۷ دسامبر ۱۹۸۷).

قوانین عملی

۱۹) احترام متقابل بین کلیساهایی که در شرایط سخت قرار دارند، با رعایت دستورالعملهای زیر به طرز محسوس افزایش می‌یابد.

۲۰) این قوانین، مشکلات نگران‌کننده ما را حل نخواهند کرد مگر اینکه هرکدام از طرفین ذینفع، اراده بخشش طبق انجیل و در زمینه تلاش مداوم برای احیا داشته باشند، تلاش آنان بایستی با اشتیاق بی‌وقفه در جهت جستجوی آن پیوند کاملی باشد که بیش از هزار سال

خواست مسیح برای کلیسایش و نقشه خدا برای کلیسایش می‌باشد که با تلاش و جستجوی مشترک کلیساها برای تطابق کامل با محتوای ایمان و مفهوم آن به دست می‌آید. این کوشش در گفتگوی الهیایی مداوم دنبال می‌شود. سند حاضر مرحله‌ای ضروری در این گفتگو می‌باشد.

۱۶) کلیساهای کاتولیک شرق که خواستار ایجاد پیوند با کرسی روم هستند و وفادار باقی مانده‌اند، حقوق و وظایفی دارند که با این پیوند مرتبط می‌باشند. اصولی که معرف دیدگاه آنان نسبت به کلیساهای ارتدکس هستند، اصولی می‌باشند که توسط مجمع واتیکان دوم تصریح شده و توسط پایهایی که از آن هنگام پیامدهای عملی ناشی از این اصول را در اسناد مختلف منتشر نموده‌اند به مرحله عمل گذاشته شده‌اند. بنابراین این کلیساها باید هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی در گفتگوی محبت در احترام و اعتماد متقابل، بار دیگر خود را باز یابند و وارد گفتگوی الهیاتی با تمام مفاهیم و اشارات عملی آن شوند.

۱۷) در چنین فضایی، ملاحظات و افکار قبلی و دستورالعملهایی که دنبال می‌شوند به همان اندازه که به طور موثر پذیرفته شوند و وفاداران رعایت گردند، هدایت به سوی راه حلی عادلانه و قطعی برای مشکلاتی است که کلیساهای کاتولیک شرق برای کلیسای ارتدکس به وجود می‌آورند.

اطلاعات درباره برنامه های مختلف شبانی وجود داشته باشد و بنابراین همکاری بین اسقفان و دیگر مسئولان کلیساهای ما را می توان تحرک و توسعه بخشید.

۲۳) تاریخچه روابط بین کلیسای ارتدکس و کلیساهای شرق مملو از رنج و آزار و شکنجه بوده است. این رنجهای و دلایل آنها هر چه بوده باشد، لبخند پیروزی هیچ یک را توجیه نمی کند، هیچکس نمی تواند در آنها جلال یابد یا از آنها مباحثی پیش بکشد که کلیسای دیگر را محکوم یا بی نصیب نماید. تنها خدا شهادت و داوری او را می داند. دوران گذشته هر چه بوده باید به رحمت خدا واگذار شود و تمام نیروی کلیساها بایستی چنان هدایت شود که زمان حال و آینده بهتر با اراده مسیح برای بدن خویش مطابقت یابد.

۲۴) همچنین -از طرف هر دو کلیسا- ضروری است که اسقفان و تمام کسانی که در کلیساها مسئولیت شبانی دارند با وسواس و احتیاط به آزادی مذهبی ایمانداران احترام بگذارند. ایمانداران نیز باید بتوانند نظریات خود را آزادانه بیان کنند، یعنی با آنان مشورت شود و خود را برای این هدف سازماندهی نمایند. در واقع مخصوصاً در شرایط مجادله، آزادی مذهبی نیازمند این است که ایمانداران بتوانند عقاید خود را بیان کنند و بدون فشار خارجی اگر می خواهند در پیوند با کلیسای ارتدکس باشند یا کلیسای کاتولیک تصمیم بگیرند. جذب ایمانداران یک کلیسا تحت پوشش مساعدت مالی به کلیسای دیگر،

بین کلیساهای ما وجود داشته است. در اینجا است که گفتگوی محبت باید با قوتی همواره احیاگر و پشتکار صورت گیرد و فقط همین می تواند بر عدم تفاهم دو طرف فائق آید و همچنین فضای لازم برای عمیق تر نمودن گفتگوی الهیاتی است که مقدمه پیوند کامل می باشد. ۲۱) اولین قدم در این راستا، پایان بخشیدن به تمام چیزهایی است که می تواند جدایی، تحقیر و نفرت بین کلیساها را برانگیزد. به همین دلیل، مسئولان کلیسای کاتولیک، کلیساهای کاتولیک شرق و جوامع آنان را یاری خواهند داد تا خودشان مقدمات پیوند کامل بین کلیساهای کاتولیک و ارتدکس را فراهم نمایند. مسئولان کلیسای ارتدکس به شیوه ای مشابه در قبال ایمانداران کلیسای خود کار خواهند کرد. بدین طریق میسر خواهد شد که مواظب وضعیت بسیار پیچیده ای باشند که در اروپای شرقی بوجود آمده است و در عین حال با محبت و عدالت هم به کاتولیکها و هم به ارتدکسها نگاه شود.

۲۲) فعالیت شبانی در کلیساهای کاتولیک چه لاتین و چه شرقی، دیگر با این هدف صورت نمی گیرد که ایمانداران یک کلیسا را به کلیسای دیگر بکشاند، یعنی دیگر با هدف تبلیغ دینی در میان مسیحیان انجام نمی شود بلکه هدف آن پاسخگویی به نیازهای روحانی ایمانداران کلیسای خود می باشد و هیچ اشتیاقی برای توسعه خود به ضرر کلیسای ارتدکس ندارد. بنابراین در چنین چشم اندازهایی دیگر جایی برای بی اعتمادی و بدگمانی وجود نخواهد داشت. ضروری است که تبادل

دست یافت، مسئله باید در کمیسیونهای مشترک که توسط مسئولان بالاتر تشکیل می شود مطرح گردد.

۲۷) سوءظن آسانتر از بین خواهد رفت اگر هر دو طرف خشونت را هر جا که جوامع یک کلیسا آن را علیه جوامع کلیسای خواهر به کار ببرد محکوم نماید. همانگونه که حضرت پاپ ژان پل دوم در نامه خود به تاریخ ۳۱ ماه مه ۱۹۹۱ درخواست کرده بود، لازم است که از هر بی حرمتی و هر نوع فشار مطلقاً جلوگیری شود تا آزادی وجدان محترم شمرده شود. وظیفه مسئولان جوامع مسیحی است که ایمانداران خود را در عمیق تر کردن وفاداریشان به کلیسای خود و سنت های آن کمک کنند و آنها را تعلیم دهند که نه تنها از بی حرمتی و خشونت چه لفظی، جسمی یا اخلاقی اجتناب کنند بلکه بدانند هر آنچه به تحقیر مسیحیان دیگر و شهادت علیه یکدیگر منتهی می شود کاملاً غفلت از کار نجات یعنی مصالحه در مسیح می باشد.

۲۸) ایمان به واقعیت مبتنی بر رازهای مقدس، مستلزم احترام به مراسم نیایشی کلیسای دیگر است. کاربرد خشونت و بی حرمتی برای غضب یک مکان پرستشی متناقض این عقیده است. بر عکس این عقیده گاهی مستلزم این است که برگزاری مراسم کلیساهای دیگر باید با توافق مشترک، با در دسترس قرار دادن کلیسای خود به دیگری برای انجام مراسم نیایشی در همان ساختمان آسانتر شود. هنوز هم اخلاقیات بشارتی نیازمند این است که از بیانیه ها یا اعلامیه هایی که

با وعده هایی از قبیل تحصیل و منافع مادی که ممکن است در کلیسای خودشان وجود نداشته باشد مغایر آزادی مذهبی است. در این زمینه ضروری است که کمکهای اجتماعی و همچنین هر نوع فعالیت بشر دوستانه با توافق مشترک سازماندهی شود تا از ایجاد سوءظن جدید جلوگیری گردد.

۲۵) به علاوه، احترام لازم به آزادی مسیحی - یکی از ارزشمندترین عطایای مسیح به انسان - نبایستی فرصتی برای تقبل کردن پروژه ای شبانی گردد که ایمانداران کلیساهای دیگر را بدون مشورت قبلی با شبانان این کلیساها درگیر نماید. نه تنها هرگونه فشاری از هر نوع که باشد باید کنار گذاشته شود بلکه احترام به وجدان انسانها که از ضرورت معتبر ایمان نیرو می گیرد، یکی از اصول راهنمای توجه شبانی کسانی است که در این دو کلیسا مسئولیتی دارند و بایستی موضوع تفکر مشترک آنان باشد (ر.ک غلاطیان ۵:۱۳).

۲۶) به همین دلیل است که جستجو و اقدام برای گفتگوی باز که در مرحله اول بایستی بین مسئولان کلیساهای در سطح محلی صورت گیرد ضروری می نماید. کسانی که مسئول جوامع مسیحی به شمار می روند بایستی کمیسیونهای مشترک محلی را ایجاد کنند یا آنها را که از قبل وجود داشته اند برای یافتن راه حلهایی برای مشکلات واقعی و دیدن این موضوع که این راه حلها در راستی و محبت، در عدالت و صلح به کار می روند موثر سازند. اگر نتوان در سطح محلی به توافق

است، توجه خاصی به آمادگی کشیشان آینده و تمام کسانی شده است که به نحوی از انحا در مکانی که به طور سنتی، کلیسای دیگر ریشه‌هایی در آن دارد فعالیت بشارتی می‌کنند. تعلیم آنان بایستی به شیوه‌ای عینی با احترام نسبت به کلیسای دیگر همراه باشد. قبل از هر چیز، باید در مورد جان‌نشینی رسولی کلیسای دیگر و اعتبار و صحت زندگی برپایه رازهایش به همه آگاهی داده شود. همچنین هر کلیسا بایستی اطلاعاتی صحیح و قابل فهم از تاریخ ارائه دهد که هدفش تاریخ‌نگاری هر دو کلیسا باشد که موافق هم و ممکن است گاهی مشترک باشد. با این روش از انتشار تعصبات جلوگیری خواهد شد و کاربرد تاریخ به شیوه‌ای جدلی کنار گذاشته می‌شود. این معرفی به این آگاهی منجر خواهد شد که اشتباهاتی که به جدایی هر دو طرف انجامیده زخمهای عمیقی بر دو کلیسا گذشته است.

۳۱) سرزنش دوستانه پولس رسول به قرن‌تبان (۱-۱-۶:۷) بار دیگر به گوش می‌رسد و به ما یادآوری می‌کند که مسیحیان اختلافات خود را از طریق گفتگوی برادرانه حل می‌کنند بنابراین از توسل به مداخله مسئولان دولتی به منظور حل عملی مشکلاتی که بین کلیساها یا جوامع محلی مسیحیان به وجود می‌آید جلوگیری می‌شود. این موضوع مخصوصاً در مورد به دست آوردن مالکیت کلیسایی کاربرد دارد. این راه‌حلها نباید فقط بر اساس وضعیت گذشته یا اصول قضایی عمومی باشد بلکه بایستی با توجه به پیچیدگی

به منازعه حالتی همیشگی می‌دهند و گفتگو را عقب می‌اندازند باید اجتناب نمود. آیا پولس رسول ما را تشویق نمی‌کند که همدیگر را بپذیریم آنچنان که مسیح ما را پذیرفت برای جلال خدا (رومیان ۱۵:۷)؟

۲۹) اسقفان و کشیشان در حضور خدا موظفند اقتداری را که روح القدس به اسقفان و کشیشان کلیسای دیگر داده و برای جلوگیری از مداخله در زندگی روحانی ایمانداران آن کلیسا محترم بشمارند. هنگامی که همکاری به خاطر مصلحت ایمانداران لازم می‌شود، همچنین ضروری است که مسئولان به توافقی در میان خود دست یابند، اصولی روشن برای این همکاری تدوین نمایند که برای همه شناخته شده باشد و با صراحت و وضوح و با احترام نسبت به انضباط کلیسای دیگر برای رازهایش عمل کنند. در این زمینه، برای اجتناب از هر گونه سوء تفاهم و بسط اعتماد مابین هر دو کلیسا، ضروری است که اسقفان کاتولیک و ارتدکس هر منطقه با یکدیگر مشورت کنند قبل از تاسیس پروژه‌های شبانی کاتولیک که مربوط به ایجاد ساختارهای جدید در منطقه‌ای باشد که به طور سنتی بخشی از قلمرو کلیسای ارتدکس است تا از فعالیت‌های شبانی موازی که احتمال خطر رقابت یا حتی درگیری می‌رود جلوگیری شود.

۳۰) برای هموار کردن راهی که به روابط بیشتر و عمیقتر بین هر دو کلیسا منجر می‌شود، چشم‌پوشی از کلیسا شناسی گذشته مبنی بر بازگشت به کلیسای کاتولیک در رابطه با مسائلی که موضوع این سند

۳۵) کمیسیون برای حذف هر نوع تبلیغ دینی در میان مسیحیان و هرگونه تمایل به توسعه توسط کاتولیکها در حوزه کلیسای ارتدکس، امیدوارست که بر موانعی که برخی کلیساهای خودگردان را وادار به تعلیق مشارکت خود در گفتگوی الهیاتی می کند فائق آید و نیز امیدوار است کلیسای ارتدکس بتواند خود را دوباره برای ادامه کار الهیاتی که قبلاً با آن همه شادمانی شروع شده بود بازیابد.

بلمند (لبنان) ۲۳ ژوئن ۱۹۹۳

* * *

واقعیت‌های کنونی و اوضاع و احوال فعلی اتخاذ شود. ۳۲) با چنین روحیه ای میسر خواهد بود که به طور مشترک وظیفه بشارت نوین به دنیای مادی‌گرای کنونی انجام شود. همچنین کوششهایی برای ارائه اخبار عینی به رسانه های گروهی مخصوصاً به نشریات مذهبی صورت خواهد گرفت تا از انتشار اطلاعات یک جانبه و گمراه کننده جلوگیری بعمل آید.

۳۳) ضروری است که کلیساها با هم جمع شوند تا احترام و قدردانی نسبت به همه، معرف یا گمنام، اسقفان، کشیشان یا ایمانداران، ارتدکس، کاتولیک چه شرقی یا لاتین، کسانی که رنج کشیده اند، ایمان نشان را با شهامت اعتراف کرده اند، وفاداری خود را به کلیسا حفظ کرده اند و به طور کلی نسبت به تمام مسیحیان بدون تمایز و تبعیض و کسانی که تحت آزار و شکنجه هستند ابراز شود. رنج آنها ما را به اتحاد و شهادت مشترک در جوا بگویی به نیایش مسیح «تا همه یک گردند تا جهان ایمان آورد» (یوحنا ۱۷: ۲۱) دعوت می کند. ۳۴) کمیسیون مشترک بین المللی برای گفتگوی الهیاتی بین کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس در نشست جامع خود در بلمند، قویاً پیشنهاد می کند که کلیساهای ما از جمله کلیساهای کاتولیک شرق که دعوت شده اند در این گفتگو شرکت کنند به این دستور العملها عمل نمایند. این گفتگو در فضایی صمیمی که برای پیشرفت آن و به سوی برپایی مجدد پیوند کامل لازم است صورت گرفت.

کلیسای رومانی

عالیجناب اسقف اعظم آنتونی از ترانسیلوانیا Antonie of Transylvania

پدر روحانی کشیش ارشد دومیترو رادو Dumitru Radu

کلیسای قبرس

عالیجناب اسقف اعظم کریسانتوس از مورفو Chrysanthos of Morphou

پروفسور ماکاریوس پاپا کریستوفورو Macarius Papachristophorou

کلیسای لهستان

پدر روحانی بارسانوفیوس Hieromonie Barsanuphius

کلیسای آلبانی

پروفسور تئودوروس پاپاپاولی Theodoros papapauli

کلیسای فنلاند

عالیجناب اسقف آمبروزیوس از یونسوکو Ambrosius of Joensocu

دبیر اجرایی:

عالیجناب اسقف اعظم اسپیریدون از ایتالیا Spyridon of Italy

[پاتریارکی اورشلیم و کلیساهای گرجستان، صربستان، بلغارستان، یونان و چکسلواکی (سابق) حضور نداشتند.]

شرکت کنندگان بلمند

هئیت های نمایندگی زیر در هفتمین نشست جامع کمیسیون مشترک بین المللی جهت گفتگوی الهیاتی بین کلیسای کاتولیک روم و کلیسای ارتدکس که در مدرسه الهیات بلمند، لبنان، در تاریخ ۱۷-۲۴ ژوئن ۱۹۹۳ برگزار شد شرکت کردند.

از کلیساهای ارتدکس شرق:

پاتریارکی جهانی قسطنطنیه

عالیجناب اسقف اعظم استیلیانوس (Stylianos) از استرالیا،

رئیس کمیسیون مشترک بین المللی از جانب ارتدکسها

پاتریارکی اسکندریه

عالیجناب اسقف اعظم دیونیسیوس از نوبیا Dionysios of Nubia

پروفسور کنستانتین پاتلوس Constantine Patelos

پاتریارکی انطاکیه

عالیجناب اسقف اعظم جورج از بیبلوس و بوتریس

George of Byblos and Botrys

پدر روحانی کشیش ارشد یوحنا یازیگی Youhanna yazigi

کلیسای روسیه

رئیس دیر، پدر روحانی نستور ژیلیائف Nestor Zhilyaev

از کلیسای کاتولیک

عالیجناب کاردینال ادوارد ادریس کاسیدی، (Edward Idris Cassidy)
رئیس مجمع عالی واتیکان جهت پیشبرد اتحاد مسیحیان،
رئیس کمیسیون مشترک بین المللی از طرف کاتولیکها.
عالیجناب کاردینال راجر اچیگاری (Roger Etchegaray)، رئیس کمیسیون
عالی واتیکان جهت عدالت و صلح و مجمع اعلاى "Cor Unum"
(عبارت لاتین به معنی "یک دل")
عالیجناب کاردینال فردریک وتر (Friedrich Wetter) اسقف اعظم مونیخ و
فرایزینگ
عالیجناب نیکلاس فوسکولوس (Nicholas Foscolos) اسقف اعظم
کاتولیک های رومی در آتن
عالیجناب ماریانو مگراسی (Mariano Magrassi) اسقف اعظم باری - بیتونتو
عالیجناب میروسلاو استفان ماروسین (Miroslav Stefan Marusyn) اسقف
اعظم افتخاری کادی، دبیر مجمع کلیساهای شرق
عالیجناب یوان روبا (Ioan Robu) اسقف اعظم بخارست
عالیجناب آلفونس نوسول (Alfons Nossol) اسقف آپول
عالیجناب پیر دوپری (Pierre Duprey)، دبیر مجمع عالی واتیکان برای
پیشبرد اتحاد مسیحیان
عالیجناب فرانک پرکو (Franc Perko) اسقف اعظم بلگراد
عالیجناب بتروس جمایل (Boutros Gemael) اسقف اعظم مارونیه‌های قبرس

پدر روحانی ژان کوربون
Jean Corbon
پروفسور، کشیش ارشد فردریک مک مانوس
Fredrick R. Mcmanus
پدر روحانی پروفسور دیمیتریوس سالاکاس
Dimitrios Salachas
پدر روحانی پروفسور ارنست سوتنر
Ernst Chr. Suttner
پدر روحانی پروفسور هرمان وگت
Herman Vogt
پدر روحانی، کشیش ارشد امانوئل لان
Emmanuel Lanne, O.S.B.
پدر روحانی پروفسور ژان تیلار
Jean M.R. Tillard, O.P.
پدر روحانی پروفسور آندره دوهالو
Andre de Halleux O.F.M.
پدر روحانی فرانس بوون
Frans Bouwen
پدر روحانی پروفسور جان لانگ
John F. Long, S.J.
پدر روحانی پروفسور پاتریک وان در آالست
Patrick Van der Aalst
پدر روحانی لیویو پاندربا
Liviu Pundrea
پدر روحانی ژوزف می (به جای عالیجناب اسقف الوتریو
فورتینو (Eleuterio Fortino) دبیر مشترک

* * *

نامهٔ کاردینال لوباچیفسکی به کاردینال کاسیدی

عالیجناب کاردینال ادوارد ادریس کاسیدی

رئیس مجمع عالی واتیکان برای پیشبرد اتحاد مسیحیان؛

مسیح در میان ماست! هست و همیشه خواهد بود!

عالیجناب،

در طی اقامت اخیرم در کیف، خوشحال شدم که نسخه‌ای از سند بلمند «وحدت گرابی، شیوهٔ اتحاد در گذشته و جستجوی کنونی برای پیوند کامل» را از سفارت واتیکان دریافت نمودم. فکر می‌کنم بیان برخی از نقطه نظرات شخصی اینجانب مفید باشد.

قبل از هر چیز دوست دارم سپاس و قدردانی خود را از تلاشهای بسیار زیاد تمام کسانی که در تدارک این متن کوشیده‌اند به اطلاع برسانم. با مطالعهٔ پیش نویس بیانیهٔ کمیته همکاری مشترک در آریکسیا، از اصلاحات زیادی که در بلمند انجام شده تقدیر می‌نمایم. درک می‌کنم که بحث پیشرفت تاریخی کلیساهای کاتولیک شرق در اوضاع و احوالی دشوار و دردناک انجام شده و خوشحال هستم که اظهار نمایم دعاهای فراوان انسانهای نیکوی هر دو طرف گفتگو، ثمرات مثبتی به بار آورده است. نگرانیهای ایمانداران، روحانیون و حتی اسقفان ما راجع به کار کمیسیون مشترک بین المللی اگر چه با توجه به وضعیت تداخل عقیدتی

کنونی قابل درک است اما ثابت شده که بی اساس می باشد. با مطالعهٔ قسمت اول سند دربارهٔ اصول کلیساشناسی، متوجه نکاتی شدم که می‌توانند مخصوصاً مفید باشد. تأکید دوبارهٔ اینکه جدایی کلیسا متضاد ارادهٔ مسیح است (شماره ۶)، تلاش کلیساها در گذشته برای اتحاد با کرسی روم بر اساس اشتیاقی مشروع در وفاداری به فرمان مسیح بوده «تا همه یکی باشند» (شماره ۹)، جدایی هم برای ارتدکسها و هم برای کاتولیکها دردناک بوده (شماره ۸)، و اصول آزادی وجدان مصون باقی می‌ماند (شماره ۱۵)، این نکات به ما اطمینان خواهد داد که کاتولیکهای شرق از این سند استقبال خواهند کرد. دعوت از کاتولیکهای شرق برای مشارکت در گفتگوی محبت و همچنین گفتگوی الهیاتی (شماره ۱۶) مورد استقبال قرار خواهد گرفت.

به نظر من بندهای ۱۳ و ۱۴ در ارائه یک بنیان الهیاتی برای روابط بین کلیساهای کاتولیک و ارتدکس مخصوصاً در موارد زیر واضح و گویاست: شناختن کلیسا به عنوان مشارکت، شناسایی متقابل یکدیگر به عنوان «کلیساهای خواهر» و عناصری که پیامد این شناسایی است: اعتراف به ایمان رسولی، مشارکت در رازهای واحد مخصوصاً برگزاری یک قربانی مقدس، جانشینی رسولی اسقفان و مسئولیت مشترک در وفادار نگه داشتن کلیسای خدا به نقشهٔ الهی. البته این به کلیسایی که من مسئولیت آن را به عهده دارم مربوط می‌شود زیرا هر کدام از کلیساهای کاتولیک شرق بایستی هم در ارتباط با کلیساهای ارتدکس محلی و هم

بیهوده به تقدیر از موضعی می پردازد که آن را فقط می توان «ضد وحدت گرایی» نامید، یعنی معکوس روند تاریخی که به موجب آن کاتولیکهای شرق مجبور می شوند با کلیسای ارتدکس «اتحاد مجدد» بیابند. ظاهراً بلمند پیشنهاد می کند که مسئولیت اخلاقی «ضد وحدت گرایی» به گردن کلیسای کاتولیک است زیرا در ادامه بحث می بینیم که ارتدکسها به ندرت دیدگاه الهیاتی خود را در مورد انحصار نجات «در واکنش» به درک کلیسای کاتولیک از خودش و ماموریتش، بسط و توسعه داده اند. از این نگران کننده تر، بی میلی آشکار یا ناتوانی کلیسای ارتدکس برای به رسمیت شناختن حتی نقشی جزئی در تک تک موارد تاریخی مربوط به پایمال کردن کلیساهای کاتولیک شرق است، مصلحتاً تمام مسئولیتهای استفاده از «شیوه های غیر قابل قبول» را به گردن «برخی از فرمانروایان دولتی» می اندازند.

اسناد منتشره در سالهای اخیر در رابطه با سرکوب کلیسای کاتولیک-یونانی اوکراین در سالهای ۴۶-۱۹۴۵ به روشنی بیانگر چیزی بیش از پذیرش منفعلانه رویدادها توسط طرف ارتدکس می باشد. در حالی که خود من شخصاً در گذشته دستهایم را برای بخشش دراز کرده ام و در آینده نیز ادامه خواهم داد، در عین حال عمیقاً از این واقعیت ناراحت هستم که ارتدکسها ظاهراً از برخورد صادقانه با تاریخ خودشان ناتوان هستند. تا زمانی که کلیسای ارتدکس نتواند چنین برخورد صادقانه ای داشته باشد، خود را قربانی می پندارد و در مقابل روند شفای

کلیسای روم به عنوان «کلیسای خواهر» نگریسته شود. در غیر این صورت می توان ادعا نمود که وقتی مشارکت کامل بین کلیساها صورت بگیرد دیگر «هم پیوند» نخواهند بود.

علاوه بر نکات فوق، دوست دارم ملاحظاتی چند اضافه نمایم: بند ۱۲ بیان می کند که «وحدت گرایی» به عنوان شکلی از «رسالت بشارتی»، شیوه و الگویی غیر قابل قبول برای اتحاد است. در اینجا بایستی بین شیوه و الگو تمایز قائل شد زیرا شیوه بیانگر وسایل وحدت است در حالی که «الگوی اتحاد» به نهایت یا نتیجه اشاره می کند. هیچ نمی تواند وقایع تاریخی و شیوه های گذشته را تغییر دهد ولی امروز «وحدت گرایی» را به عنوان وسیله اتحاد کلیسا بایستی رد کرد زیرا نامناسب می نماید. با این وجود می توان نتایج «وحدت گرایی» یعنی خود کلیساهای کاتولیک شرق را تغییر داد، به عبارت دیگر می توان الگو تغییر داد. این امر نه تنها مستلزم تعهد کاتولیکهای شرق به کشف دوباره میراث روحانی و الهیاتی خودشان است- چنانکه واتیکان دوم نیز آنرا تشویق می کند- بلکه نیازمند التزام کرسی روم به تغییر رابطه قانونی و رسمی بین خود و کلیساهای کاتولیک شرق است تا حقیقتاً الگوی کلیساشناختی قابل قبولی برای ارتدکسها بشوند. با خواندن توضیحات بلمند درباره مجموعه قوانین جدید کلیساهای کاتولیک شرق، خواننده می پندارد که این الگوست که بلمند نیز آن را غیر قابل قبول می یابد. درباره بندهای ۱۰ و ۱۱ نیز اشکالاتی داشته ام. در اینجا سند بلمند

قسمتهای مراسم شرکت نمایند. از کلیسای سنت سیریل معمولاً هیچ کدام از جوامع مسیحی استفاده نمی کنند بلکه زیر نظر مجموعه موزه سوفیای قدیس اداره می شود. با این وجود وقتی وارد آن محل شدیم تمام دروازه های ورودی محوطه کلیسا با زنجیر بسته شده بود و گروههایی از ارتدکسها تمام ورودیها را سد کرده بودند و در همان حال ایستاده سرودی برای مادر خدا می خواندند. در واقع خانمی که صبح زود از طرف مدیریت موزه جهت باز کردن این مجموعه برای ما آمده بود توسط برخی از اعضای گروهی که ساختمان کلیسا را در تمام این کشمکشها اشغال کرده بودند، در درون کلیسای قدیس سیریل توقیف شده بود.

روحانیون و نمایندگان جامعه ما می دانستند که تظاهر کنندگان حقیقتاً درک واقع بینانه ای نداشتند که دارند بر علیه چه کسانی اعتراض می کنند. آنان از ته دل اعتقاد داشتند که دارند از پرستشگاه ارتدکسها در مقابل بدعتگزاران دفاع می کنند، بدعتگزارانی که «مادر خدا را احترام نمی گذارند» و مقصر «نسل کشی ارتدکسها در غرب اوکراین» هستند. برخی از آنان به وضوح دعا می کردند که به کلیسای واحد و حقیقی ارتدکس بگرویم. با این وجود روحانیون که مسئول این احساسات، تحریفها و اعتراضات بودند هرگز دیده نشدند. وظیفه آنان وظیفه بسیار مشکلی خواهد بود- دانستن اینکه تعالیشان بی جا و نامناسب است و با روحیه قدیس فرانسیس آسیسی «محبت کردن در جایی که نفرت است» در تضاد می باشد. این وظیفه همچنین در انتظار

درونی ای که برای جوابگویی موثر به دعوت بشارت انجیل خداوند ما لازم است مقاومت می کند و به راستی نمی تواند به عنوان شریک منصف و مساوی در گفتگوی بین الکلیسایی در سطوح مختلف عمل نماید. من این را به خوبی درک می کنم زیرا کلیسای خودم از میان سالها قربانی شدن هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ کلیسایی سر برآورده است و اکنون نیز در حال طی نمودن روند مشکل مداوم و بهبودی است.

دستور العملهایی که در بخش دوم سند ذکر شده تثبیت چالشهایی مخصوصاً هم برای ارتدکسها و هم برای کاتولیکهای شرق است. بعد از سالهای رنجش، بی اعتمادی متقابل و حتی بی خبری تعمدی از طرف منابع سیاسی و متاسفانه کلیسایی، موانع موجود بر سر روابط معمولی تقریباً غیر قابل عبور به نظر می رسند. تجربه اخیر اینجانب در کیف در یکشنبه ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۳ بر مشکل بودن این وظیفه تاکید می کند.

مراسم جشنی در تعطیلات آخر هفته برای تبرک یک بنای صلیب در جایی که قرار بود کلیسایی برای جامعه کاتولیک یونانی کیف ساخته شود برنامه ریزی شده بود. ایمانداران کلیسای ما در کیف مراسم پرستشی خود را در این روز در هوای آزاد برگزار کردند. همه چیز طبق مجوز رسمی و قانونی آماده شده بود. اسنادی که توسط مسئولین دولتی مختلف امضاء شده بوده هنوز موجود هستند و به جوامع رسمی و غیر رسمی ارتدکس درباره برنامه ما برای برپایی آیین قربانی مقدس در کلیسای دور افتاده قدیس سیریل اطلاع داده شده بود، و حتی دعوت شده بودند که در برخی

اوکراین دارای منابع درخشانی در تاریخ معاصر است که می‌تواند بر آن بنا کند. خادم خدا اسقف اعظم آندره شپتیتسکی (Andrei Sheptytsky) [۱۸۶۵-۱۹۴۴] هیچ‌گاه رسالت خود نمی‌دانست که ارتدکسها را به طرف کلیسای کاتولیک شرق بکشد بلکه بر عکس همه را تشویق می‌کرد برای «احتمالاتی که هیچ‌کس تا به حال بدانها فکر نکرده» فکر و قلبی باز داشته باشند (از مقدمه کتابش «دستیابی به یک تفاهم» که مجموعه‌ای از اسناد و نوشته‌های بین‌الکلیسایی است و در سال ۱۹۴۳ منتشر شد).

درواقع بسیاری از پیشنهادات بلمند برای روابط مابین ارتدکسها و کاتولیکها، قبلاً در نوشته‌های بین‌الکلیسایی وی در طول حیاتش پیدا می‌شود. فرارسیدن پنجاهمین سالگرد مرگ وی فرصت مناسبی نه تنها برای کلیساهای اوکراین بلکه برای تمام کلیساهای شرق و غرب خواهد بود تا حکمت و به‌راستی پیش‌بینی این روحانی مقدس و برجسته را به عینه ببینند. همچنین مدافع ایمان ژوزف سلیپی (Joseph Slipyi) که پیش از من مسئول کلیسای کاتولیک یونانی اوکراین بود، علی‌رغم رنجهایی که خودش و کلیسایش متحمل می‌شد هرگز دیدگاه هدف‌نهایی اتحاد مسیحی را از دست نداد. بدون شک یکی از موضوعات مورد بحث وی در ملاقاتهایش با زنده‌یاد نیکودیم، اسقف اعظم لنینگراد، نهضت اتحاد کلیساها بود. نامه‌شبنانی کاردینال ژوزف تحت‌عنوان «یکی شدن در مسیح» شایسته یادآوری است که در آن انشقاق کلیسای اوکراین را به

آن گروه از روحانیون کاتولیک-یونانی اوکراین است که غیر معقولانه جامعه ارتدکس را به خاطر گناهان افراد متهم می‌کنند، افرادی که همانگونه سند بلمند به درستی می‌گوید «باید به رحمت خدا واگذار شوند» (شماره ۲۳).

بند ۲۰ از لزوم داشتن «اراده بخشش طبق انجیل» از طرف هر یک از گروههای مربوطه سخن می‌گوید. دوست دارم از تجربه شخصی ام نکته‌ای را بازگو نمایم. وقتی در سال ۱۹۸۷ دستم را به سوی پاتریارکی مسکو برای بخشش متقابل دراز کردم و در عین حال - به خاطر اینکه کلیسای ما هنوز به صورت زیرزمینی بود- می‌ترسیدم باعث سوءتفاهم روحانیون و ایمانداران کلیسایم شود، دست‌گشوده من را کسی نفشرد. اکنون می‌دانم چرا این‌گونه شد. اگر شما کسی را که خواهان بخشش نیست ببخشید درواقع او را رنجانیده‌اید، چونکه او را به چیزی که هیچ احساس تقصیر یا مسئولیت نسبت به آن ندارد متهم کرده‌اید. بنابراین بخشیدن تنها کافی نیست. طرفین درگیر بایستی از خداوند بخواهند که «اجازه ده گناهان خودم را ببینم و بر برادرم حکم نکنم» (دعای مار اِپرم سربانی) و سپس در طلب بخشش باشند و بخواهند که بخشیده شوند به خاطر هر اشتباهی که عمدی یا غیر عمدی صورت گرفته است.

بند ۲۱ سند بلمند جوامع کاتولیک شرق و ارتدکس را به مشارکت در فراهم کردن مقدمات «پیوند کامل بین کلیساهای کاتولیک و ارتدکس» تشویق می‌کند، خوشحالیم که کلیسای کاتولیک-یونانی

محکومیت و اجتناب از خشونت جسمی و لفظی (شماره ۲۷)، احترام گذاشتن به مراسم نیایش کلیساهای هم پیوندان (شماره ۲۸)، مداخله نکردن در زندگی روحانی آنان (شماره ۲۹)، توجه خاص به تعلیمات بین‌الکلیسایی کشیشان آینده مخصوصاً در مورد «جانشینی رسولی کلیسای دیگر و اعتبار و صحت زندگی بر پایه رازهایش» (شماره ۳۰)، جستجوی راه حل اختلافات از طریق گفتگوی برادرانه (شماره ۳۱)، پای بندی به تعهدمان در مورد اجتناب از کاربرد مغرضانه رسانه‌های گروهی (شماره ۳۲) و احترام و قدردانی بدون تبعیض نسبت به تمام کسانی که رنج کشیده‌اند (شماره ۳۳).

دوست دارم که تعهد ارتدکسها را به اجرای این دستورالعملها در اوکراین بدیهی بدانم. اما از طرف دیگر می‌دانم که جداییهای کنونی در درون جامعه ارتدکس چنین تعهدی را نمی‌پسندد. عالیجناب به شما اطمینان می‌دهم که کلیسای کاتولیک - یونانی اوکراین نمی‌خواهد از مناقشات درونی ارتدکسهای اوکراین به نفع خود بهره برداری کند. بر عکس امید قلبی دارم که کلیسای ارتدکس به زودی قدرت بیابد تا از دیدگاه کلیسایی آنچه را به واقعیت حیات سیاسی بدل شده بپذیرد. کلیسای کیف بایستی اجازه داشته باشد که روی پای خود بایستد زیرا این کلیسا قبل از هر چیز، کلیسای مادر تمام کلیساهای روس می‌باشد. ثبات لازم برای اجرای اصول مطرح شده در بلمند توسط کلیساهای، به راه حل موثری برای این مسئله بستگی دارد.

«سلطنت تقسیم شده» در انجیل متی ۲۶:۱۲ مقایسه می‌کند که نمی‌تواند در مقابل حمله سنگین الحاد کمونیست مقاومت کند. برآستی امروز این جدایی آن اقتدار اندکی را که در بشارت پیام مسیح به غیر مسیحیان داریم از بین می‌برد. ما از این واقعیت کاملاً آگاه هستیم که اعضای بدن یگانه مسیح هستیم اگر چه از لحاظ سلسله مراتب روحانی جدا می‌باشیم و در مبارزه بین ایمانداران برنده و بازنده‌ای وجود ندارد بلکه همه بازنده هستند، همه می‌بازند زیرا کلیسای واحد، مقدس، رسولی و جامع می‌بازد.

با این شناخت، اینجانب به عنوان رهبر روحانی کلیسای کاتولیک یونانی اوکراین، خودم، برادران اسقفم، روحانیون و ایمانداران را به اجرای دستورالعملهای سند بلمند تا سرحد توانایی مان متعهد می‌نمایم که شامل موارد زیر می‌شود: گام برداشتن در جهت «پایان بخشیدن به تمام چیزهایی که می‌تواند جدایی، تحقیر و نفرت بین کلیساهای را برانگیزد» (شماره ۲۱): توقف هرگونه فعالیتی که به منظور کشاندن ایمانداران یک کلیسا به کلیسای دیگر انجام می‌شود (شماره ۲۲): ضایع نکردن خون شهیدان و مدافعان، با نفرین و تهمت بر ضد همکیشان مسیحی (شماره ۲۳): رعایت بسیار دقیق اصول آزادی وجدان و بیان (شماره ۲۴): به کارگیری این اصول به هنگام اجرای برنامه‌های شبانی (شماره ۲۵)، جستجوی راه حل مشترک برای مشکلات واقعی از طریق گفتگو و در صورت امکان کمیسیونهای مشترک (شماره ۲۶)،

نکاتی درباره بیانیه بلمند

به قلم : Serge Keleher

وجود کلیساهای کاتولیک شرق از دیر باز نکته دردناکی ما بین کاتولیکها و ارتدکسها بوده است. همان گونه که گفتگو بین کلیسای روم و کلیسای ارتدکس در خلال سه دهه گذشته رشد می کرد و قوت می گرفت کم کم روشن شد که بایستی به این مسئله پرداخت. اما هیچیک از طرفین، احیای عظیم کلیساهای کاتولیک-یونانی در اوکراین و رومانی در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ را انتظار نداشت، روندی که طی آن در کمتر از یک سال، چندین کلیسای جامع، بیش از دو هزار حوزه کشیشی و در حدود ۵۰۰ کشیش که ارتدکس روس یا ارتدکس رومانی به شمار می رفتند ناگهان به سوی جریان آزاد آیین کاتولیک-یونانی برگشتند. ارزیابی تعداد دقیق ایمانداران عادی تقریباً غیرممکن است اما یقیناً چندین میلیون ایماندار اکنون آشکارا کاتولیک-یونانی هستند، آن هم در مناطقی که کلیسای کاتولیک-یونانی در ده سال قبل هیچ گونه حضور ملموسی نداشت.

بیشتر این رویدادها در مناطقی صورت گرفت که کلیسای کاتولیک-یونانی تا زمان انحلال آن توسط کمونیستها در بعد از جنگ جهانی دوم، حضوری قوی و گسترده داشت (شرق اوکراین، مناطق

۴۴

در ضمن، نهایت سعی خود را خواهیم کرد تا روحانیون و ایمانداران خود را با توسعه نهضت اتحاد کلیساها تاکنون از جمله سند بلمند آشنا سازیم. امیدوارم قبل از پایان سال نامه ای شبانی بنویسم که در آن اصولی را که اساس رابطه اسقفان، روحانیون و ایمانداران کلیسای کاتولیک یونانی اوکراین با برادران ارتدکس باشد مفصلاً توضیح دهم. همانگونه که عالیجناب استحضار دارید از قبل اقدامات و ابتکارانی برای مباحثه الهیاتی بین اعضای علاقه مند کلیسای ما و پاتریارکی جهانی وجود داشته که «گروه مطالعاتی کلیسای کیف» نامیده می شود.

مطلع هستم که قبل از بلمند، شما نسخه ای از واکنش مشترک آنها را در مورد پیش نویس آریکسیا دریافت نموده بودید که امیدوارم مفید بوده باشد. عالیجناب همچنین به خود این آزادی را می دهم که نسخه ای از این نامه را برای تمام اعضای کمیسیون مشترک بین المللی و نیز برای تمام رهبران کلیساهای هم پیوند کاتولیک شرق بفرستم. از همه تقاضا دارم که این نامه را به عنوان واکنشی مفید و مثبت نسبت به تلاشهای افراد بی شمار تلقی کنند.

باشد که خداوند شما را برکت دهد تا کار اتحاد مسیحیان را ادامه دهید و دعا می کنم قلبهای ما را برای «احتمالاتی که هیچ کس تا به حال بدانها فکر نکرده» بگشاید.

در مسیح خداوند، کاردینال میروسلاو ایوان لوباجیفسکی

اسقف اعظم لویو روم، اوت ۱۹۹۳

۴۳

متحیر می‌شوند. علت اینکه بسیاری از کشیشان دستگذاری شده در پاتریارکی ارتدکس مسکو و پاتریارکی ارتدکس بخارست خود را کاتولیک-یونانی اعلام کرده‌اند این است که در خانواده‌های کاتولیک-یونانی که همیشه خود را کاتولیک-یونانی می‌دانستند به دنیا آمده‌اند و می‌اندیشند که این کارشان درست و بجاست. اما بیشتر آگاهیشان از آیین کاتولیک با خواندن کتابهای کاتولیکی کسب شده که در مدارس کشیشان ارتدکس روس یا ارتدکس رومانی در دستشان بوده و آنان نیز درمی‌یابند که این تصویر همیشه با واقعیت همخوانی ندارد.

این وضعیت مغشوش در کل، تلاشهای طرفین برای ادامه گفتگو را آسانتر نمی‌کند و آشفتگی مداوم سیاسی در اروپای شرقی وضعیت را پیچیده‌تر می‌سازد. به فیض خدا گفتگوها ادامه یافته و توانسته بیانیه بلمند را بعد از سه سال و اندی تلاش به وجود آورد.

همانگونه که خود بیانیه (در بند اول) می‌گوید، مساله کلیساهای کاتولیک شرق همچون وقفه‌ای در کار سخت الهیاتی کمیسیون مشترک بین المللی نمایان گشته است. سه بیانیه توافق شده نخست که توسط کمیسیون مشترک بین المللی تهیه شد ماهیت الهیاتی بیشتری دارند از جمله پیش نویس بیانیه «آشتی و اقتدار در کلیسا» که قرار بود برنامه بعدی کمیسیون مشترک بین المللی باشد. بحران اروپای شرقی مستلزم نشست جامع ششم کمیسیون مشترک بین المللی بود که در ژوئن ۱۹۹۰ در فرایزینگ، (باواریا) تشکیل شد تا پیش نویس مذکور را به کناری نهاده و احیای کاتولیک-یونانی در اروپای شرقی را مورد بحث و بررسی قرار دهد. روحیه شرکت کنندگان بسیار متشنج و آتشین و گفتگو با خطر

ماورای اوکراین، شرق لهستان و شرق اسلواکی). «ناپدید شدن» ظاهری کاتولیکهای-یونانی در این مناطق کاملاً ناخواسته و با جفایی تلخ و خونین همراه بود. ناظرین خارجی (و از جمله حتی خود کاتولیکهای-یونانی) انتظار داشتند که بعد از دو نسل جز خاطره‌ای از کلیسای کاتولیک-یونانی چیزی باقی نماند و شانس اندکی برای احیای موثر کلیساهای کاتولیک-یونانی در آن مناطق وجود داشت.

بنابراین آنچه می‌بایست شادی بزرگی باشد یعنی احیای آزادی مذهبی و رستاخیز کلیساهایی که تصور می‌شد مرده‌اند، در عوض ضربه دردناکی برای نهضت اتحاد کلیساها گردید که به طور جدی مانع گفتگو بین کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس می‌شد. خود کاتولیکهای-یونانی را نمی‌توان در این مورد مقصر دانست، بدیهی است که آنان برای بیان و اجرای مراسم مذهبی خود کاملاً محق هستند. باز گناه کاتولیکهای-یونانی نیست که دیگران به اشتباه فکر می‌کردند که آنان این مذهب را رها کرده‌اند، کاتولیکهای-یونانی در اروپای شرقی چه تقصیری دارند که اوضاع و احوال خارج از کنترل آنها، ایشان را در انزوا گذاشته به نحوی که از نهضت اتحاد کلیساها، از مجمع واتیکان دوم یا از گفتگوی کاتولیک-ارتدکس کاملاً آگاه نیستند.

اما کاتولیکهای-یونانی خود از تاثیر این «بیداری» رنج می‌برند، در موارد زیادی گذشته کلیسای کاتولیک را به یاد می‌آورند و آن را به عنوان پیشینه بلافصل خود به صورت ایده آل درمی‌آورند همانگونه که در اواخر دهه سوم قرن بیستم دریافته بودند و اکنون از فهمیدن اینکه خاطرات گذشته‌شان همیشه با واقعیت امروز همخوانی ندارد به شدت

خواهد بود و به راستی باید چنین باشد و نیز مشارکت آنها در گفتگوها در تمام سطوح، باید به این کلیساها اطمینانی مجدد بدهد که آنان در این مباحثات «وجه المعامله» نیستند. همچنین باید به آنان شهادت ببخشد که در زمینه گفتگو مسئولانه عمل کنند. برخی از کلیساهای کاتولیک-یونانی، روند نهضت بین‌الکلیسایی در سه دهه گذشته را با بدگمانی علنی می‌نگرند و ملاحظات بین‌الکلیسایی را جدی نمی‌دانند. یک جهت‌گیری نوین و بین‌الکلیسایی الزامی است و خوشحال هستیم که شواهد روشنی از این جهت‌گیری نوین را در نامه کاردینال لوباجیفسکی به کاردینال کاسیدی می‌بینیم.

این عبارت که «وحدت‌گرایی» نه شیوه قابل قبول برای آینده و نه الگوی اتحادی است که کلیساها در پی آن هستند، چالش‌نیرومندی در مقابل کلیساهای کاتولیک شرق برای کشف و اعاده مجدد ریشه‌های معتبر و مقتدر ارتدکسی آنها ایجاد می‌کند. چنین روندی در سرتاسر قرن بیستم در حال توسعه بوده و به اهداف خوبی هم نائل شده است اما هنوز راه درازی در پیش است. کلیساهای کاتولیک-یونانی (به همراه دیگر شرکت‌کنندگان در گفتگو) بایستی شیوه‌ها و الگوهای بهتری در زمینه گفتگو بجویند و بیابند. در این جستجو، اصول عملی پیشنهاد شده توسط بلمند اهمیت خاصی دارند.

«تمایل به بخشیدن» همواره ضروری است و حقیقتاً هرگز آسان نیست. به ویژه در اروپای شرقی، نه تنها خاطره جفاهای اخیر هنوز قوی و پابرجاست بلکه (همانگونه که کاردینال لوباجیفسکی در نامه‌اش توصیف می‌کند) در بسیاری مواقع حق کلیساهای کاتولیک-یونانی برای

جدی مواجه بود اما سرانجام بر بیانیه‌ای که هر دو طرف ارتدکس و کاتولیک با ریاست مشترک امضاء کرده بودند توافق شد و آن را به مطبوعات دادند. وضعیت این بیانیه موسوم به «بیانیه فرایزینگ» روشن نشده است، ارتدکسها تمایل دارند که توافقی الزام‌آور شمرده شود در حالی که کاتولیکها ظاهراً آن را سند مقدماتی می‌دانند. احتمالاً با بیانیه‌ای که در بلمند تصویب شد، مساله بیانیه فرایزینگ دوباره مطرح شده است.

کمیته اجرایی کمیسیون مشترک بین‌المللی در ژوئن ۱۹۹۱ در آریکسیا، نزدیک رم تشکیل جلسه داد و یک سند پیش‌نویس تهیه کرد که عملاً اساس همان چیزی است که اکنون بیانیه بلمند خوانده می‌شود. پیش‌نویس آریکسیا در روزنامه Sobornost (به روسی یعنی "جامع") و برخی مطبوعات دیگر منتشر شد و موضوع مباحثات گسترده‌ای گردید. اساساً کمیسیون مشترک بین‌المللی قرار بود در ژوئن ۱۹۹۲ در بلتشکیل جلسه دهد اما وضعیت چنان بود که این جلسه را تا ژوئن ۱۹۹۳ با تاخیر روبرو نمود. سندی که در بلمند تهیه شد اصلاحیه پیش‌نویس آریکسیاست. نکات مربوط به کلیسا شناسی، مذکور در سند بلمند پیشرفت مهمی در گفتگوی ارتدکس-کاتولیک است. این تأکیدات که کلیسای ارتدکس و کلیسای کاتولیک، کلیساهای خواهر هستند، هیچ‌کدام ادعای امتیاز انحصاری وسایل نجات را ندارد و برای نجات یافتن لازم نیست از کلیسایی به کلیسای دیگر «گروید»، تمام اینها گفتگو را در سطح جدید و بالاتری قرار داد.

تأیید حق وجود کلیساهای کاتولیک شرق و تضمین اینکه چنین

کنونی کاتولیک-یونانی که سابقاً در کلیساهای علنی کشور خدمت می کردند کمتر به تبلیغ مذهبی در میان مسیحیان تمایل دارند اما یکی از دلایل بی اعتمادی برخی از روحانیونی که در دوران جفا خدمت می کردند به روحانیونی که همان وقت در کلیساهای علنی کشور خدمت می کردند در همین جا نهفته است.

امیدواریم که رهبران هر دو کلیسا اصول بلمند در مورد احترام متقابل به شهیدان و مدافعان معاصر ایمان را جدی بگیرند.

این عبارت که «دیوارهای جدایی مسیحیان به آسمان نمی رسند» کلیشه ای بین الکللیسایی شده است اما اکنون زمان آن رسیده که به این کلیشه مفهوم و استحکام نوینی بخشید. شایسته است این فرصت را برای کنار گذاشتن این بحث حقیقتاً گیج کننده مغتتم شمرد که کلیساهایی که به هر نحوی به توافق دست می یابند بایستی در مورد اتحاد تامل کنند زیرا طرف دیگر نمی تواند قدیسین کلیسای دیگر را به رسمیت بشناسد.^۱ بند ۲۴ تأکید می کند:

«همچنین از طرف هر دو کلیسا ضروری است که اسقفان و تمام کسانی که در کلیساها مسئولیت شبنانی دارند با وسواس و احتیاط به آزادی مذهبی ایمانداران احترام بگذارند. ایمانداران نیز باید بتوانند نظریات خود را آزادانه بیان کنند یعنی با آنان مشورت شود و خود را برای این هدف سازماندهی نمایند».

۱- نگارنده متأسفانه با این موضع موافق نیست. این بحث را الهیدانان جدی، کاتولیکها، ارتدکسهای اروپای شرقی و ارتدکسهای شرق پیش کشیده اند. هیچکدام از این الهیدانان ظاهراً از این واقعیت تاریخی ناراحت نمی شوند که کلیسا از قبل قدیسینی را که در عشای ربانی هم‌دیگر شرکت نمی کردند محترم می دارد.

حیات و خدمت به ایماندارانش عملاً انکار می شود. مداوای این زخمها مستلزم عمل قهرمانانه به فضایل انجیل است. با این وجود بایستی به موفقیت این مداوا امیدوار باشیم.

بیانیه بلمند یک جنبه مهم و عملی این مشکل را یعنی جداییهای داخلی ارتدکس در مناطق خاصی که کدورت بین ارتدکسها و کاتولیکهای-یونانی عملاً بحرانی شده است ذکر نمی کند. در غرب اوکراین، بزرگترین گروه ارتدکس، کلیسای خودگردان اوکراین است که کلیساهای ارتدکس محلی آن را به رسمیت نمی شناسند، در گفتگوی ارتدکس-کاتولیک شرکت ندارد و بعید است سند بلمند را به رسمیت بشناسد یا بپذیرد. کاتولیکهای-یونانی تمایل ندارند کاری انجام دهند که بتوان آن را مداخله در مسائل داخلی ارتدکس نامید، با این وجود از لحاظ عملی، در جوامع محلی امکان ندارد که از هر گونه برخورد حوزه های کلیسایی یا روحانیون این جوامع کلیسایی ممانعت به عمل آورد.

متقاعد نمودن روحانیون کاتولیک-یونانی، -مخصوصاً آنانی که در کلیساهای زیرزمینی دوران جفا خدمت می کردند- به عدم تلاش در جهت کشاندن ایمانداران ارتدکس به کلیسای کاتولیک-یونانی آسان نخواهد بود. آنان چندین دهه تقلا می کردند در مقابل تلاش کمونیستها برای ادغام اجباری کاتولیک-یونانی در ارتدکس روس (یا ارتدکس رومانی) ایستادگی کنند و طبیعتاً روحانیون کاتولیک-یونانی تمایل داشته اند با جمع آوری انبوهی از مباحثات، ارتدکسها را تشویق نمایند که کاتولیک-یونانی شوند و این واکنش کاملاً طبیعی است. روحانیون

نیایشی کلیساهای دیگر است. کاربرد خشونت و بی‌حرمتی برای غضب یک مکان پرستشی متناقض این باور است. برعکس این باور گاهی مستلزم این است که برگزاری مراسم کلیساهای دیگر باید با توافق مشترک، با در دسترس قرار دادن کلیسای خود به دیگری برای انجام مراسم نیایشی در همان ساختمان، آسانتر شود. هنوز هم اخلاقیات بشارتی نیازمند این است که از بیانیه‌ها یا اعلامیه‌هایی که حالتی همیشگی به منازعه می‌دهند و گفتگو را عقب می‌اندازند باید اجتناب نمود. آیا پولس رسول ما را تشویق نمی‌کند که همدیگر را بپذیریم آن چنان که مسیح ما را پذیرفت برای جلال خدا» (رومیان ۱۵: ۷)؟

این موضوع به نکات دردناکی می‌رسد؛ کاتولیک‌های-یونانی در اروپای شرقی غالباً نسبت به مشارکت ساختمان کلیسایشان با آنانی که ظاهراً همکاران کسانی بودند که ایشان را در زمان جفا از کلیسایشان محروم کرده بودند بی‌میل هستند.^۲ مسیحیان ارتدکس نیز در هر جای دنیا که باشند قویاً نسبت به پذیرفتن مراسم کاتولیک-یونانی در ساختمانهای کلیسای ارتدکس بی‌میل هستند.^۳

اگر مذاکرات عملی در مورد توافق بر چنین موضوعاتی صورت نگیرد، تلاشهای مربوط به امکانات پرستشی احتمالاً فقط به ناراحتی و

۲- نارضایتی اخیر در اوکراین و نارضایتی روز افزون در رومانی نسبت به استرداد اموال کلیسایی کاتولیک‌های-یونانی به صاحبانشان، به تشدید اوضاع ادامه می‌دهد.

۳- این موضوع مخصوصاً در برخی اماکن مقدس دردناک است. معمولاً یک آیین نیایش ارتدکسی و یک عشا ربانی کاتولیکی هر روزه در قبر حیات بخش خداوند ما در اورشلیم برگزار می‌شود. آیین نیایش کاتولیک-یونانی هرگز اجازه برگزاری نمی‌یابد. مثالهای زیادی از این نوع می‌توان برشمرد.

و این فرستادن گرگ به میان گوسفندان است. شورای اسقفان کلیسای کاتولیک-یونانی اوکراین در سال ۱۹۹۲ که در شهر لویو (Lviv) برگزار شد پشت درهایی تشکیل جلسه داد که استادانه بسته شده بودند. نه تنها ایمانداران عادی دعوت نشده بودند که عقیده خود را بیان کنند بلکه رهبران کلیسا نیز هیچ‌گاه موضوعات مورد بحث را مطرح نکردند. در اینجا یقیناً هیچ‌گونه مشورتی با ایمانداران (و حتی روحانیون) نشده بود. بیانیۀ بلمند به ما یادآوری می‌کند که بایستی ساختارهایی برای مشورت در تمام سطوح وجود داشته باشد تا بتوان با مشکلات عینی مواجه شد. این ساختارها هنوز به وجود نیامده‌اند. نباید از کمیسیون مشترک بین‌المللی خواست که خود این وظیفه را به عهده بگیرد (اگر چه برای چنین ساختاری مناسب آن است که به کمیسیون مشترک بین‌المللی گزارش شود)، پیشنهاد می‌کنیم که یک کمیسیون جداگانه در بالاترین سطح از نمایندگان کلیساهای کاتولیک-یونانی و کلیساهای محلی ارتدکس شرقی به وجود آید.

از این رو هر دو طرف به ارتباط با یکدیگر عادت خواهند کرد و باعث تقویت چنین کمیسیون‌هایی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی خواهند شد. وقتی مشکلاتی در برخی مناطق ظهور می‌کند، خود وجود این ساختارها، طرفین درگیر را به جستجوی راه‌حلی بین‌کلیسایی به جای توسل به رسانه‌های جمعی، فشارهای گوناگون یا دادگاههای دولتی تشویق خواهد نمود.

بند ۲۸ ما را یادآوری می‌کند که:

«ایمان به واقعیت مبتنی بر رازهای مقدس، مستلزم احترام به مراسم

برخی کلیساهای دیگر حتی کاتولیکها را تعمیم مجدد می دهند که به روشنی متناقض تعلیمی است که بیانیه بلمند ارائه می دهد.

بنابراین بیانیه بلمند مثبت و غنی است و می تواند خبر از پیشرفت کیفی در آشتی ارتدکس-کاتولیک بدهد. نامه کاردینال لوباچیفسکی اولین واکنش رسمی و آشکار از سوی یک منبع کاتولیک شرق است که توجه ما را جلب نموده است.

این نامه نیز مثبت و غنی است و می تواند خبر از پیشرفت کیفی بدهد.^۷ کاردینال، کل کلیسای خود را به دگرگونی بنیادین و مهم در واکنش به بیانیه بلمند متعهد نموده است، این عمل شجاعانه و حاکی از ایمان به شناسایی احترام آمیز طرفین ارج می نهد.

شاید وسوسه شویم که به توضیح کاردینال لوباچیفسکی در مورد «مجموعه قوانین» کلیساهای شرق که به تازگی تدوین شده بخندیم، قانونی که تا اندازه زیادی ساختاری بسیار پیشرفته و مشروع برای شیوه و الگویی مردود ارائه می دهد! تلاشهایی که به منظور به تعویق انداختن اعلام این قانون صورت گرفته تا به حال موفق نبوده است، اما رد این قانون توسط بیانیه بلمند و با شدت بیشتری توسط کاردینال لوباچیفسکی غیرقابل اجتناب است. مصالحه بین آیین کاتولیک و ارتدکس که این همه به آن امید بسته ایم نیازمند الگوی متفاوتی است.

کاردینال لوباچیفسکی به ویژه در عمل به تعهد خود کاملاً صادق

۷- کار اسقف اسوالد اسکوپلوس (Vsevolod of Skopelos)-پاتریارک جهانی ارتدکس اوکراین- و اسقف بازیل استامفورد (کاتولیک اوکراین) در سال ۱۹۸۷ باعث تشویق بسیاری در روابط خوب کاتولیکها-یونانی اوکراین و ارتدکسهای شرق اروپا شده است.

بدگمانی منجر می شود.^۴ این نکته که همه و مخصوصاً روحانیون آینده ما بایستی تعلیم یابند که هر دو کلیسا در یک جانشینی رسولی سهیم هستند (و از این رو رازهایی که در یک کلیسا انجام شده نبایستی در کلیسای دیگر تکرار شود) مستلزم تغییراتی است که باید در عمل اجرا شود. در غرب اوکراین، اسقفان کاتولیک یونانی، آن دسته از روحانیون ارتدکس را که به کلیسای کاتولیک-یونانی برمی گردند «دستگذاری مشروط» می کنند.^۵

در آمریکای شمالی و برخی جاهای دیگر، در سالهای اخیر موارد متعددی وجود داشته که اسقفان ارتدکس، روحانیون کاتولیک-یونانی را که ارتدکس شده اند «دستگذاری مجدد» نموده اند.^۶ کلیسای یونان و

۴- به عنوان مثال مثبتی از مشارکت، به همان نوازی کلیسای جامع ارتدکس قدیس ولادیمیر شهر شیکاگو اشاره می کنیم که نسبت به حوزه تازه تاسیس کاتولیک-یونانی قدیسین ولادیمیر و اولها در سال ۱۹۶۸ انجام داد. این دو جامعه سالهای زیادی از ساختمان کلیسای ارتدکس به طرز بسیار دوستانه ای استفاده می کردند و همین باعث توسعه روابطی بین الکیسایی گردید که حتی بعد از بنای ساختمان نمازخانه جدید و زیبای کاتولیک اوکراین ادامه یافت و عمیق تر شد. به مشارکت گذاشتن ساختمانهای کلیسا می تواند موثر باشد.

۵- این عمل باعث شده که برخی از روحانیون از دیدگاه وجدانی دچار برخی مشکلات گردند. یکی از رهبران ارشد برای نگارنده بیان نمود که می دانسته چنین دستگذاری مشروطی ضروری نیست و از این رو نبایستی صورت بگیرد اما احساس می کرد مجبور به انجام آن است زیرا یک جامعه مذهبی بخصوص، مغرضانه «بی اعتباری» دستگذاری ارتدکس روس را جار می زد.

۶- هرگاه یک کشیش کاتولیک-یونانی که به ارتدکس گرویده بخواهد ازدواج کند غالباً این اتفاق روی می دهد. برخی از ارتدکسها معتقدند با «دستگذاری» مردان بعد از چنین ازدواجی، قوانین مجمع ترولوگه ازدواج بعد از دستگذاری را ممنوع ساخته با موفقیت پیشدستی شده است.

کاتولیک-یونانی تورنتو و شرق کانادا اظهار نمود که پاتریارک جهانی به شدت به بیانیه بلمند پای بند است و امیدوار است که با این راه حل موفقیت آمیز برای مناقشات، گفتگوی الهیاتی از این پس بتواند به موضوعات مهم و درجه اول الهیاتی که این گفتگو برای آن به وجود آمده بپردازد.

نامه کاردینال لوباچیفسکی نیز ظاهراً نمونه ای از پاسخ کلیساهای محلی کاتولیک-یونانی است. از این رو بیانیه بلمند اکنون منتظر تایید حضرت پاپ ژان پل دوم است. اعتقاد داریم که بیانیه بلمند نشان دهنده پیشرفتی کیفی در مداوای تفرقه و به رسمیت شناختن پراهمیت کلیساهای کاتولیک-یونانی و اشاره ای روشن و قابل قبول به راه آینده است. دعا می کنیم که پاپ ژان پل دوم این بیانیه را تایید نماید و توصیه های آن موثر واقع شود.

* * *

است حتی اگر چه به خوبی می داند که عمل متقابل دیگران به شکلیایی و زمان نیاز دارد. چنین سخاوت فداکارانه ای شایسته این است که با سخاوتی همسان هم از طرف کلیسای ارتدکس و هم از طرف کلیسای روم جواب داده شود.

برخی از ارتدکسها که شاهد این جبهه گیریها در اروپای شرقی هستند نتوانسته اند متوجه این شوند که در لهستان، کلیسای کاتولیک رومی لهستان به هزینه کاتولیکهای-یونانی منفعت زیادی برده است. کاتولیکهای-یونانی در دوران وجود خود بیشتر «کلیسای میانی» بوده اند و وضعیت موجود در لهستان نیز به ویژه مصداق این گفته است. اما جاهای دیگری نیز در اروپای شرقی وجود دارد که محدودیتهای اعمال شده بر کاتولیکهای-یونانی حداقل بیانگر این احساس است که آیین کاتولیک رومی در گسترش خود آزاد است اما آیین کاتولیک-یونانی چنین آزادی ندارد. چنین احساسی فقط می تواند به تقویت واکنشهای منفی و بدگمانی نسبت به روند اتحاد بین الکلیسایی منجر شود. ارتدکسهایی که منتقد کلیسای کاتولیک هستند به تنش ما بین کاتولیکهای رومی و کاتولیکهای-یونانی اهمیت می دهند. بهبود روابط کاملاً برادرانه با ارتدکسها، مداوای این تنشها را تسهیل می نماید.

بیانیه بلمند همانند تمام بیانیه های کمیسیون مشترک بین المللی جهت گفتگوی الهیاتی، نیازمند تایید رسمی رهبران کلیسایی هم کاتولیکها و هم ارتدکسهاست. از آنجا که این بیانیه به موضوعات عملی می پردازد، نیاز به این تایید فوریت دارد. عالیجناب پاتریارک بارتولومیوس قسطنطنیه رسماً به عالیجناب ایزیدور اسقف